فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc502701871)

[تسرع در معاصی 2](#_Toc502701872)

[آیات با عنوان تسابق و سبقت 3](#_Toc502701873)

[سَبق در وزن مفاعله و افتعال 3](#_Toc502701874)

[فرق استباق و سرعت 4](#_Toc502701875)

[عالم امتحان و مسابقه در خیرات 6](#_Toc502701876)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل تدریج و تسریع در تربیت**

# اشاره

ضمن اصل تدریج به موضوع دیگری رسیدم که عبارت از تسریع بود، قاعده استحباب تسریع به خیرات و خوبی‌ها و طاعات، قاعده کلی است، ازجمله در باب تعلیم و تربیت جاری می‌شود، در این زمینه و مبحث تسریع و شتاب در کارهای خوب و در تعلیم و تربیت، آیاتی ذکر شد، طایفه اول از آیات موردبحث قرار گرفت، آیاتی مربوط به مسارعه بود، تعبیر سرعت و مسارعه در آن آیات وارد شده بود، حدود پنج آیه بود که حدود پانزده بحث را ذیل آن‌ها بیان کردیم.

# تسرع در معاصی

بحث دیگر این است که در نقطه مقابل استحباب تسرع و سرعت و شتاب در انجام فعالیت‌های خیر، یک قاعده معکوس و مضاد هم دارد و آن قاعده حرمت مسارعه به اثم و گناه و کارهای ناشایست است، از این طرف استحباب شتاب به خوبی‌هاست و سرعت‌گیری در انجام کارهای خیر و نیک است، در نقطه مقابل آن، حرمت شتاب در کارهای ناشایست و معاصی است. این بحث یک قاعده مجزای فقهیه است، اما در ذیل طایفه اول ذکر کردیم.

سرعت و شتاب گرفتن به کارهای ناروا و محرمات و معاصی، یک معصیت است، درواقع شتاب گیری به گناه، عاملی است که گناه را مضاعف می‌کند، برای اینکه این یک گناه اضافه‌ای است، در اعداد عواملی که موجب اشتداد عقاب می‌شود که حدود پانزده عامل بیان شد، این هم یک عامل جدیدی است که می‌بایست به آن عوامل افزوده و بر آن فهرست اضافه ‌شود.

سرعت به سمت طاعات و کارهای خوب، علی‌الاصول مستحب است، البته در برخی از موارد واجب می‌شود، سرعت بر معاصی حرام است، این شبیه «**وَتَعاوَنوا عَلَى البِرِّ وَالتَّقوى وَلا تَعاوَنوا عَلَى الإِثمِ وَالعُدوانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَديدُ العِقابِ**»[[1]](#footnote-1) است، تعاون بر خوبی‌ها مستحب است، اما تعاون بر گناه حرام است، تسرع به خوبی‌ها علی‌الاصول مستحب است، اما تسرع به معاصی، معصیت اضافه است، دلیل این مطلب آیات است، سوره مائده آیه 62 می‌فرمایند: «**وَ تَرى‌ كَثِيراً مِنْهُمْ يُسارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ**»[[2]](#footnote-2)، نهی در اینجا نیست، اما سیاق و فضای این آیه تحریم است، «**الْعُدْوانِ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ**»، ذکر خاص بعد از عام است، اما اثم مطلق است.

آیات دیگری هم هست که به طور مستقیم به این مسئله نپرداخته است، سوره مبارکه آل عمران، آیه 176 می‌فرمایند: «**لا يَحْزُنْكَ الَّذينَ يُسارِعُونَ فِي الْكُفْرِ**»، این آیه شبیه آیه 41 سوره مائده است، «**لا يَحْزُنْكَ الَّذينَ يُسارِعُونَ فِي الْكُفْرِ**»، این‌ها اطلاق ندارند، بلکه ذیل یک مبحث دیگر این موارد را می‌فرمایند.

بنابراین در نقطه مقابل سرعت در نیکی‌ها و خیرات، سرعت در معاصی است که به‌احتمال‌قوی حرام است، آیه اول بر این موضوع دلالت دارد، آیات دیگر هم شاید موجب تقویت این موضوع بشوند، ممکن است در روایات هم مسائلی از این قبیل بیان شده باشد، میان این دو در مقام ثبوت بعید است که تفاوتی باشد، اما در مقام اثبات فرق می‌کنند.

# آیات با عنوان تسابق و سبقت

گروه دوم از آیاتی که مربوط به بحث تسریع است، این است که در آن مفهوم سرعت نیست، بلکه مفهوم دیگری به عنوان تسابق و سبقت است، در این گروه چند آیه را با همین تعبیر می‌شود اشاره کرد:

1 – آیه 21 سوره مبارکه حدید: «**سابِقُوا إِلي مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ**»

2 – آیه 148 سوره مبارکه بقره: «**فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ**»

3 – آیه 48 سوره مبارکه مائده: «**فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ**»

4 – آیه 61 سوره مؤمنون که مشترک میان سرعت و سبقت است: «**أُولئِکَ يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ**»

# سَبق در وزن مفاعله و افتعال

نکته اول این است که در لغت آمده سَبق که اصلش تقدیم و تقدم است، وقتی این سَبق از ثلاثی مجرد به سمت مفاعله یا افتعال برود، در این صورت حالت هماوردی و وزن‌کشی در مقایسه افراد با یکدیگر در آن پیدا می‌شود، ثلاثی مجردش تقدم است، شاید اشعاری به این باشد که انسان‌ها وارد یک مسابقه شدند، اما این معنا وقتی به باب افتعال و مفاعله می‌رود، خیلی برجسته می‌شود، استباق و مسابقه در جایی است که افرادی در قیاس به یکدیگر قرار می‌گیرند، یکی سبقت می‌گیرد و دیگری متأخر از او می‌شود، شاید در اصل ثلاثی‌اش، مفهوم هماوردی و قیاس در رسیدن به یک مقصد باشد، اما در باب مفاعله و افتعال، این نکته کاملاً برجسته است.

بنابراین مفهوم سَبق و مسابقه و استباق از تقدم می‌آید، اما تقدمی که در یک هماوردی و قیاس به سمت یک هدف پیدا می‌شود.

# فرق استباق و سرعت

بنابراین استباق و مسابقه، یعنی تلاش برای تقدم بر دیگری است، فرقش با سرعت این است که سرعت؛ کاری با دیگری در قیاس و مقایسه نیست، سرعت یعنی حرکت با درجات خود سنجیده می‌شود، به طور مثال حرکت کند و تند و تندتر و الی‌آخر، اما وقتی در استباق و مسابقه می‌آید، به همین تندی و شتاب است، اما شتاب مقایسه‌ای و رقابتی است، در رقابت و هماوردی، این مفهوم پیاده می‌شود و صدق می‌کند.

گاهی سَبَقَ به همان معنای سرعت به کار می‌رود، «سَبَقَ الیه»، نگاه به این نیست که با دیگری مقایسه شود، شاید جاهایی از قبیل «هم لها سابقون» هم داشته باشیم، گاهی این مفهوم از حالت مقایسه و رقابتی بیرون می‌آید.

بنابراین جمع‌بندی به این صورت می‌شود که مفهوم سَبق و استباق و مسابقه، شاید بشود گفت که دو معنا دارند، یکی معنای سرعت، شتاب، معنای دیگر شتاب در قیاس با دیگری و صحنه رقابت است، ظهور بیشترش، به‌ویژه وقتی به شکل باب مفاعله و افتعال بیاید، پیشی گرفتن در مقام هماوردی و رقابت است.

ظهور اولیه بخصوص سابقوا و استبقوا و باب مفاعله و افتعالش این است که افراد در قیاس به یکدیگر سنجیده می‌شوند و طبعاً در این قیاس که سنجیده می‌شوند، حتماً باید یک مقصد مشخص و واحدی باشد، اگر مقصد واحد نباشد، نمی‌شود گفت که این فرد شتاب گرفت و دیگری متأخر از او در مسابقه شد.

این‌ها ممکن است که یک مفهوم به معنای سرعت داشته باشند، اما غالباً این‌ها در باب مفاعله و افتعالش، به مفهوم رقابت می‌شود، این مفهوم رقابت، متقوم به این است که چند عامل و فاعل باشند و در مقایسه با یکدیگر قرار بگیرند و در صورتی است که یک هدف معینی باشد.

گروه دوم یک بار اضافه‌ای دارد و غیر از گروه اول است، گروه اول مسارعه را بیان می‌کند، اما گروه دوم مسابقه را می‌گوید، طبعاً استباق و مسابقه نیازمند سرعت است، اما بار اضافه‌ای دارد، سرعتی که شخص را از دیگری برتر قرار بدهد، لذا سرعت مطلق در قیاس با درون حرکت شخص است، اما سبقت، سرعت در قیاس با عامل دیگری است، ازاین‌جهت است که اصل تسریع، یک اصلی است و اصل مسابقه، اصل دیگری است، کاملاً متباین نیستند، اما یک جهت تفاوتی در آن‌ها هست.

در آیات قرآن هر سه کاربرد وجود دارد، هم کاربرد ثلاثی مجردش مثل «**هُمْ لَها سابِقُونَ**»، همچنین کاربرد افتعالش را داریم که در دو مورد فرمودند: «**فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ**»، همچنین تعبیر مفاعله‌اش که «**سابِقُوا إِلي مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ**»[[3]](#footnote-3) باشد.

امکان دارد در سابقوا، معنای اول یعنی معنای سرعت احتمال داده شود، اما ظهورش بیشتر در معنای دوم است، یعنی پیشی گرفتن در یک رقابت با دیگری، پیشی گرفتن در مقام رقابت، مسابقه نام دارد، بر خلاف مسارعه که در مقام رقابت نیست.

این‌ها مسائلی است که مربوط به مفهوم‌شناسی بود و اینکه این قاعده با آن قاعده قبلی، هم یکی است و هم یکی نیست، یکی است، برای اینکه در اینجا هم نوعی شتاب لازم است، یکی نیست، یعنی جهت متفاوت و ممیزش این است که شتاب در مقام قیاس و رقابت است.

# بیان نکات

نکته‌ای که در آیات است، هم در ثلاثی مجردش، هم باب افتعال و هم مفاعله، در آیات ذکر شده: «**فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ**»، در لغت این‌طور ذکر شده که استبقوا و استبق، هم بدون إلی و هم با إلی به مفعول متعدی می‌شود، هم می‌گوید: «**سابِقُوا إِلي مَغْفِرَةٍ**»، هم می‌شود گفت: «**فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ**»، هر دو به کار می‌رود و هر دو هم درست است.

مفعول یا مدخول إلی در اینجا، همان هدفی است که در قیاس به آن، این رقابت معنا می‌شود.

«**سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ**»[[4]](#footnote-4) و «**يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ**» را به یک معنا می‌گرفتیم، اما جای یک تأملی با توجه به بحث امروز، در اینجا وجود دارد.

نکته دیگر این است که بحث‌هایی که راجع به دلالت این امر بر وجوب یا استحباب کردیم، «**فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ**»، یا «**سابِقُوا إِلي مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ**»[[5]](#footnote-5)، به قرائنی که بیان شد، نمی‌شود گفت که اینجا مطلقاً واجب است، وجوهی که در آنجا ذکر شد، عینا ًدر اینجا هم تکرار می‌شود.

نکته دیگر این است که دو آیه «**فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ**» این‌ها با فاء، بر یک مطلب قبلی متفرع شده‌اند، اما تأثیری در بحث ندارد، دریکی بیان می‌شود که «**وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ**»[[6]](#footnote-6)، در دیگری دارد «**وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ**»[[7]](#footnote-7)، تفرع استبقوا بر آن چیزی‌های که گفته‌شده، در بحث فقهی و استنتاجات فقهی، تأثیری نمی‌گذارد، اما نکات تفسیری دارد، مثلاً آیه دوم می‌فرمایند: «**لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ**»، چون جای امتحان است، در امتحان جای مسابقه است.

# عالم امتحان و مسابقه در خیرات

چون این عالم، عالم امتحان است، معمولاً در امتحان، انسان‌ها سعی می‌کنند از یکدیگر پیشی بگیرند، همچنین آیه «**وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ**»، به شکلی این‌طور است، خداوند همه را به آن سمت هدایت می‌کند، تلاش کنید که زودتر به آن برسید، لذا تفرع «**فَاسْتَبِقُوا**» بر امور قبلی، صحنه امتحان است و فضای پیشی گرفتن و رقابت است که آمده است.

1. - مائده، آیه 2 [↑](#footnote-ref-1)
2. - مائده، آیه 62 [↑](#footnote-ref-2)
3. - حدید، آیه 21 [↑](#footnote-ref-3)
4. - آل‌عمران، آیه 133 [↑](#footnote-ref-4)
5. - حدید، آیه 21 [↑](#footnote-ref-5)
6. - بقره، آیه 148 [↑](#footnote-ref-6)
7. - مائده، آیه 48 [↑](#footnote-ref-7)